

## جرایم علیه عدالت قضایی مطالعه تطبیقی حقوق ایران و لبنان

(بانگرشی به کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل متحد)

مهرداد کاظمی<sup>۱</sup> - یاور فضلی<sup>۲</sup>

### چکیده

اجرای عدالت قضایی همواره در بین تمامی جوامع به عنوان یک ارزش مطرح بوده و از بزرگ‌ترین اهداف هر نظام قضائی است. بدین ترتیب هر جامعه‌ای به اقتضای اصول، ارزش‌ها و فرهنگ حاکم بر آن جامعه، از موانع اجرای عدالت جلوگیری کرده و متخلفان از اجرای آن را مجازات می‌کند تا دادگستری صورت پذیرد فلذا قانون‌گذاران کشورها اقدام به جرم‌انگاری اعمالی نموده‌اند که در روند اجرای عدالت خلل ایجاد نماید. قانون‌گذار لبنانی هم در باب چهارم از کتاب دوم قانون عقوبات در موارد ۳۹۸ تا ۴۲۸ به اعمالی که به نحوی مانع اجرای عدالت قضایی می‌شوند پرداخته است. قانون‌گذار ایرانی نیز به‌طور پراکنده در مواردی از قوانین مختلف جزایی به جرایم علیه عدالت قضائی پرداخته است که از آن جمله می‌توان به جرایم رشوه، سوگند، شهادت دروغ، اعمال نفوذ، عدم اجرای احکام توسط مجریان مربوطه اشاره کرد.

اهمیت این موضوع و لزوم پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد و اجرای صحیح عدالت سبب گردید تا کنوانسیون مقابله با فساد نیز در این خصوص در سال ۲۰۰۳ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد.

لزوم عملکرد عادلانه توسط دستگاه قضائی در اجرای قانون و نهایتاً دادرسی عادلانه و مقابله با عوامل ایجادکننده اخلال در اجرای عدالت قضایی (اعم از اشخاص و مجریان و مسئولان مرتبط) اقتضاء دارد تا نظام‌های حقوقی بخشی از قوانین جزایی را به صورت مستقل به جرم‌انگاری مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی اختصاص دهند.

### واژگان کلیدی:

جرایم، عدالت قضایی، لبنان، ایران، تطبیقی، کنوانسیون.

۱- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و رئیس شعبه دوم دادگاه حقوقی شهرستان اسلام آباد غرب.  
۲- کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و دادیار اجرای احکام دادرسی شهرستان اسلام آباد غرب.

**مقدمه:**

در تقسیم‌بندی متداولی که حقوق‌دانان<sup>۱</sup> از دیرباز راجع به حقوق جزای اختصاصی، مطرح نموده‌اند، جرایم را به سه بخش: ۱- جرایم علیه تمامیت جسمانی و علیه شخصیت معنوی افراد، ۲- جرایم علیه اموال و مالکیت، ۳- جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی تقسیم نموده‌اند. با پیشرفت علوم و صنعت، جرایم جدید و نو ظهوری مطرح شده‌اند که به سختی می‌توان آنها را در این دسته‌ها گنجانده که از این جمله می‌توان به جرایم رایانه‌ای، محیط زیست و اقتصادی اشاره نمود. جرایم علیه عدالت قضایی را نیز اگر چه به‌طور پراکنده در تقسیم‌بندی سه‌گانه فوق می‌توان جست‌وجو کرد اما نظر به اهمیت و تاثیری که این جرایم در اجرای عدالت و دادرسی عادلانه می‌گذارند، ضروری است که در بخشی ویژه و مستقل تحت عنوان جرایم علیه عدالت قضایی مورد بررسی قرار گیرد. دستیابی کامل به عدالت قضایی از بزرگ‌ترین اهداف هر نظام قضایی و خواسته تمام حکومت‌ها و انسان‌ها به شمار می‌آید و برای تحقق آن، قانون‌گذار، مجریان و مردم باید براساس یک سری اصول، همکاری همه‌جانبه داشته باشند.

گاهی اوقات ممکن است به اجرای عدالت قضایی به دلیل وجود پاره‌ای از جرایم که از آنها به عنوان جرایم علیه عدالت قضایی تعبیر می‌شود خدشه وارد شود و افرادی به دلایل مختلف مانع ایجاد نمایند که البته این موانع ممکن است درونی (و از مجریان) یا بیرونی (و از ناحیه اشخاص و کارشناسان مرتبط با امر دادرسی) باشد. به عنوان مثال: شاهدانی که تحت فشار به دروغ شهادت می‌دهند و یا ضابطین دادگستری و اشخاصی که به مخفی کردن ادله جرم و یا فراری دادن متهم و دستکاری کردن صحنه جرم جهت جلوگیری از کشف جرم اقدام می‌نمایند، این‌ها از جمله مصادیق اخلال در اجرای عدالت قضایی می‌باشند. در حقیقت دادرسی عادلانه و اجرای عدالت قضایی در گرو همکاری منصفانه و همه‌جانبه همه دست‌اندرکاران و اشخاص مرتبط از قبیل اصحاب دعوی، ضابطین، وکلا و قضات می‌باشد.

یکی از طرق اصلی حمایت از عدالت قضایی و اجرای آن جرم‌انگاری در این زمینه است یعنی قانون‌گذار با وضع قانون مناسب مانع تعرض به اجرای عدالت گردد. در قانون

۱- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، بهار ۱۳۸۲، ص ۳۶.

مجازات اسلامی ایران فصل خاصی به این موضوع اختصاص نیافته است و صرفاً در مواد مختلف قوانین جزایی به برخی از جرایم مخل اجرای عدالت اشاره شده است اما قانون‌گذار لبنانی بخشی مستقل از قانون مجازات خود را به اعمالی که به نحوی مانع اجرای عدالت قضایی می‌شوند پرداخته است.

لذا در این مقاله بر آن شدیم تا به مطالعه تطبیقی بین دو نظام حقوقی ایران و لبنان بپردازیم. جرایم مخل عدالت قضایی بپردازیم و همچنین ضمن بررسی مواد مختلف مربوطه نیم‌نگاهی نیز به کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل متحد مصوب سال ۲۰۰۳ میلادی که در ماده ۲۵ آن تحت عنوان ممانعت از اجرای عدالت صراحتاً کشور ما را به جرم انگاری اقدامات عمدی علیه اجرای عدالت فرا خوانده است و از جمله اهداف آن نیز حمایت از همکاری‌های بین‌المللی در زمینه پیشگیری و مبارزه موثرتر و کارا تر با فساد می‌باشد داشته باشیم.

لذا در فصل اول تحت عنوان کلیات به مفهوم جرایم علیه عدالت قضایی و موقعیت جغرافیایی و وضعیت حکومت و نظام حقوقی لبنان و در فصل دوم و سوم به مقایسه مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی در قوانین جزایی لبنان و ایران با نگرشی به کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل متحد پرداخته‌ایم.<sup>۱</sup>

۱- این کنوانسیون به موجب قطعنامه شماره ۵۸/۴ مورخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و در تاریخ نهم دسامبر ۲۰۰۳ در کنفرانسی که به همین منظور در شهر مریدا در مکزیک برگزار شده بود، جهت امضاء مفتوح گردید. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز لایحه الحاقی این کنوانسیون مصوب ۸۴/۵/۲۳ هیأت وزیران را تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد که به لحاظ ایرادات شورای نگهبان، موضوع به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد و در نهایت در تاریخ هفدهم مهرماه ۱۳۸۷ به تصویب مجمع رسید. به همین مناسبت روز امضای کنوانسیون توسط کشورهای مختلف جهان یعنی ۸ دسامبر (۱۸ آذر ماه) به نام روز جهانی مبارزه با فساد نام‌گذاری شده است.

## فصل اول: کلیات

### مبحث اول: تعریف عدالت قضایی و کیفری و جرایم علیه عدالت قضایی

عدالت عبارت است از: «گذاشتن پایه احقاق حق بر مساوات در برابر قانون و احترام به حقوق افراد»<sup>۱</sup> و عدالت قضایی عبارت از رسیدگی بی طرفانه، منصفانه و ضابطه‌مند به دعاوی، تظلمات و جرایم توسط مقامات قضایی است.<sup>۲</sup> عدالت قضایی را دادرسی عادلانه و منصفانه نیز می‌گویند. باید توجه داشت که عدالت قضایی متفاوت از عدالت کیفری است. در حقیقت عدالت کیفری این هدف را پی می‌گیرد که کیفر و مجازات براساس عدالت باشد اما عدالت قضایی به دنبال اجرای عادلانه مجازات و در صدد پیگیری عدالت در مرحله قضاوت و پس از آن است. بنابراین کیفر عادلانه زمانی وضع خواهد شد که شخصیت مجرم و آسیب‌های وارده بر جامعه شناخته شود. بدین منظور لازم است که شخص قانون‌گذار یا دستگاه قضایی، به نیابت از او، قابلیت مرتکب و تناسب مجازات با آن قابلیت را تشخیص و مجازات لازم را اعمال کند. در برخی مجازات‌ها مانند حدود، قصاص و دیات، شارع مقدس شخصاً کیفر عادلانه را براساس شناخت کامل خود از آسیب‌های وارده بر جامعه و مرتکب شدن این قبیل جرایم وضع کرده است اما در دیگر جرایم، این امر به حکومت اسلامی و در راس آن ولی فقیه سپرده شده است. این در حالی است که عدالت قضایی بدین معناست که پس از ارتکاب جرم یا تضییع حق، مجریان عدالت، عدالت را درباره اصحاب دعوا اعمال کنند.<sup>۳</sup>

همچنین عدالت کیفری بیشتر بر آیین دادرسی کیفری استوار است و می‌تواند بزه‌کار را از ناکرده بزه تفکیک نموده و ضمن جلوگیری از خودسری وابسته از مجریان عدالت کیفری، از اشتباهات قضایی ممانعت و اجرای عدالت را میسر سازد.<sup>۴</sup> در حقیقت عدالت قضایی بر خلاف عدالت کیفری که بیشتر به قانون برمی‌گردد، ارتباط مستقیمی با اجرای قانون دارد، از این روست که دکتر آخوندی، عدالت قضایی را به اجرای قانون تعریف کرده

۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۶۸، ص ۴۴۴.

۲- پروینی، علی، جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی، نشریه پیام آموزش، شماره ۴۰، مهر و آبان ۱۳۸۸، ص ۲۲.

۳- طارمی، محمدحسین، عدالت قضایی و جرایم پیرامونی، هفته‌نامه پگاه حوزه، شماره ۲۶۳، مهر ماه ۱۳۸۸.

۴- آشوری، محمد، عدالت کیفری، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۳.

است.<sup>۱</sup>

حال با اوصاف فوق، به تعاریفی که از جرایم علیه عدالت قضایی توسط محققان معاصر ارائه شده است اشاره می‌نماییم:

جرایم علیه عدالت قضایی، اختصاص به فعل یا ترک فعل‌هایی دارد که به گونه‌ای مانع تحقق عدالت قضایی در جامعه می‌شوند.<sup>۲</sup> به عبارتی دیگر جرایمی که در سیر عدالت قضایی، روند کشف جرم، تعقیب مرتکب، تحقیق پیرامون جرم، دادرسی و اجرای حکم خدشه ایجاد می‌کند و آن را کند نموده یا موانعی در کشف حقیقت و اجرای عدالت ایجاد کند<sup>۳</sup> در زمره جرایم علیه عدالت قضایی می‌باشند یا به تعبیری دیگر اینکه هر عملی که مانع پیاده سازی عدالت در حوزه قضایی باشد، اعم از مرحله تعقیب تا اجرای حکم، جرم علیه عدالت قضایی نامیده می‌شود. بنابراین جرایمی که پس از ارتکاب جرم یا پس از تضییع حق، مانع از اجرای عدالت درباره طرفین دعوا یا مرتکبین جرم شود، جرایم علیه عدالت قضایی نامیده می‌شود مانند اعمال نفوذ در اجرای حکم دادگاه.<sup>۴</sup>

التهامیه می‌توان گفت: آن دسته از جرایمی که به هر نحوی مرتبط با سیر مراحل دادرسی (اعم از کشف و تحقیق جرایم، تعقیب متهم، محاکمه و اجرای احکام) باشد و اختلال در این دادرسی منصفانه ایجاد کند و متعاقباً مانع کشف حقیقت و اجرای عدالت گردد را می‌توان در حیطه جرایم علیه عدالت قضایی گنجانند.

### مبحث دوم: موقعیت جغرافیایی لبنان

کلمه لبنان گرفته شده از کلمه یونانی لیبیا نوس است، معنای لیبیا نوس، کوه‌های پوشیده از برف می‌باشد.

این کشور بعد از بحرین با مساحت ۱۰۴۵۲ کیلومتر مربع دومین کشور کوچک خاورمیانه می‌باشد که در غرب قاره آسیا و در ساحل شرقی دریای مدیترانه و از جنوب با فلسطین همسایه شده است. طول مرزهای این کشور ۵۷۰ کیلومتر می‌باشد که ۲۲۵

۱- طارمی، محمدحسین، منبع پیشین.

۲- طارمی کوشا، جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱.

۳- سادات اسدی، لیلا، بررسی تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی در حقوق لبنان و ایران، مجله ندای صادق، ش ۳۷، ۳۸، تابستان ۸۴.

۴- طارمی، محمدحسین، منبع پیشین.

کیلومتر آن در مجاورت دریای مدیترانه واقع شده است. این کشور به پنج استان تقسیم شده است که عبارتند از: استان بیروت، استان جبل، استان بقاع، استان شمال و استان جنوب و از شهرهای مهم این کشور بیروت، جونیه، طرابلس، صور، صیدا و جبیل را می‌توان نام برد.<sup>۱</sup>

### مبحث سوم: نظام حکومتی و جمعیت لبنان

سیستم حکومتی لبنان در یک قانون اساسی و یک میثاق ملی (الميثاق الوطني) خلاصه می‌شود. میثاق ملی یا به عبارت دیگر قانون اساسی نوشته و قراردادی است که بین مسیحیان و مسلمانان در سال ۱۹۴۳ بسته شد. قانون اساسی کشور لبنان در سال ۱۹۴۶ به تصویب رسیده است؛ ریاست جمهوری از بین مسیحیان مارونی و نخست‌وزیر از بین مسلمانان اهل تسنن و رئیس مجلس از بین مسلمانان شیعه می‌باشد. جمعیت این کشور در حال حاضر حدود ۵ میلیون نفر برآورد شده است.

### مبحث چهارم: نظام حقوقی (جزایی) کشور لبنان

لبنان در طول تاریخ طولانی خود نظام‌های جزایی متعددی را به خود دیده است. لبنان در زمانی که جزء دولت عربی اسلامی بود شریعت اسلامی در آن اجرا می‌شد و هنگامی که قانون جزایی عثمانی مصوب سال ۱۸۵۸ که قواعد آن بر گرفته از قانون جزایی فرانسه بود لازم الاجراء گردید؛ اجرای شریعت اسلامی جزایی متوقف شد. در ۲۲ نوامبر ۱۹۴۳ لبنان به صورت جمهوری مستقلی در آمد و قانون جزایی این کشور، نخستین تدوینی بود که حقوق‌دانان و قضات لبنان به تنهایی آن را پیش‌نویس کردند و بر منبع خاصی متکی نبود بلکه نتیجه تحقیق و مطالعات عمیق روی اکثر قوانین پیشرفته جهان بود. از این رو پیشرفته‌ترین نظریات حقوق جزایی دنیا را در برداشت. این قانون در ۲۷ اکتبر ۱۹۴۳ تصویب و در اول سپتامبر ۱۹۴۴ لازم الاجرا گردید و متعاقباً چند بار اصلاح شد.

این قانون اصولی را بنا گذاشت که قوانین جدید که تضمین‌کننده آزادی‌های عمومی

۱- محقق داماد، سید مصطفی، جزوه نظام کیفری کشورهای اسلامی ۱۳۸۳، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۲۱ به بعد.

هستند بر آن اجماع دارند که اهم این اصول، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، اصل تساوی مجازات‌ها و اصل شخصی بودن مجازات‌هاست، در این قانون نظرات مکتب اخلاقی که مسئولیت کیفری را بر مبنای خطا و نه بر خطر استوار می‌سازد؛ ترجیح داده شد و لذا در جایی که متهم کاری را بدون اراده انجام داده باشد مستحق عقوبت نیست.

## فصل دوم: مصادیق جرائم علیه عدالت قضایی در مسیر دادرسی عادلانه در قانون لبنان و ایران

### مبحث اول: رشوه و اخلال در نظام اداری

قانون جزایی لبنان در آخرین اصلاحات خود در سال ۱۹۹۹ مواد ۳۵۱ تا ۳۵۵ خود را تحت عنوان «جرائمی که بر اداره عامه نظام واقع می‌شود» قرار داده است.<sup>۱</sup> در این قانون که تحت عنوان باب سوم قانون مجازات لبنان قرار گرفته در ابتدا آمده است: «هر شخصی که در موسسات عام و ادارات و شهرداری‌ها و ارتش و دستگاه قضایی کار می‌کند و هر کارگزار یا مستخدم دولتی و یا هر شخصی که برای انجام خدمات عام‌المنفعه در مقابل عوض یا بدون عوض انتخاب یا تعیین شده است منظور تنظیم قانون حاضر است.»

بنابراین مرتکب جرائم باب سوم قانون جزای لبنان لزوماً بایستی کارمند دولت یا موسسات و ادارات عام‌المنفعه وابسته به دولت باشد کسانی که در موسسات خصوصی یا موسساتی که اکثر سرمایه آنها متعلق به بخش خصوصی است نمی‌توانند مرتکب جرائم مندرج در این باب گردند؛ نکته دیگر اینکه با توجه به روح قانون ملاحظه می‌شود که مستخدم دولت لازم نیست که کارمند رسمی دولت باشد؛ هر کسی که در خدمت دولت باشد یا از طرف دولت قادر به انجام وظیفه‌ای است ولو اینکه کار خود را به صورت تبرعی و بدون دریافت مزد انجام دهد مشمول مقررات این باب از قانون خواهد بود.

اولین ماده این باب به بحث رشوه پرداخته است؛ ماده ۳۵۱ این قانون مقرر می‌دارد: «هر مستخدم رسمی دولت که به انجام کار عام‌المنفعه مامور شده باشد اعم از اینکه به صورت انتخابی باشد یا تعیینی و هر فردی که به انجام یک امر مهم رسمی تکلیف شده باشد مانند صدور حکم یا انجام کارشناسی؛ وعده یا هدیه‌ای یا هر منفعت دیگر برای خودش یا دیگری قبول یا مطالبه کند تا در مقابل آن عملی از اعمال شرعی که از وظایف او بوده را انجام دهد به حبس از سه ماه تا سه سال و پرداخت جزای نقدی در برابر مال

۱- قانون شماره ۹۱/۸۹-۹۳/۲۲۴-۹۳/۲۳۹-۹۳/۳۰۲-۹۴/۴۸۷-۹۵/۳۱۵-۹۶/۳۱۵- انتشارات حقوق حلبی - بیروت ۱۹۹۹ با اشراف قاسم محمد قاسم رئیس محکمه جنایات در بیروت.



مأخوذه یا قبول شده محکوم خواهد شد»<sup>۱</sup>

آنچه در این ماده مهم است آن است که مرتکب جرم باید از طرف ادارات و مقامات رسمی و دولتی مامور به انجام کارهای عام‌المنفعه باشد بنابراین کسی که مشغول به یک کار عام‌المنفعه است ولی از طرف مقامات رسمی ماموریت ندارد نمی‌تواند مرتکب این جرم شود.

عنصر مادی این جرم مطالبه یا قبول نمودن هدیه یا هر منفعتی است و لازم نیست که خود مرتکب از این هدیه یا منفعت بهره‌مند گردد؛ بنابراین چنانچه دیگری هم از این هدیه یا منفعت بهره‌مند گردد، برابر صریح قانون فوق شخص مرتکب جرم شده است؛ نکته دیگر اینکه زمانی ماده فوق اعمال خواهد شد که مرتکب، هدیه یا منفعت را برای انجام دادن عملی از اعمال شرعی که از وظایف او بوده دریافت نماید؛ بنابراین عمل مرتکب در قبال دریافت هدیه یا منفعت؛ عملی غیر شرعی نیست بلکه عملی است که او مکلف به انجام آن بوده است و چنانچه عمل مرتکب خارج از وظایف قانونی او بوده یا عملی غیر شرعی باشد قطعاً مستوجب مفاد این ماده نخواهد بود.

قانون‌گذار مجازات مرتکب فعل مجرمانه فوق را سه ماه تا سه سال حبس و جزای نقدی قرار داده است بنابراین قاضی نمی‌تواند یکی از مجازات‌های فوق را اعمال نماید و مکلف است که دو مجازات فوق را توأم در مورد مرتکب اعمال کند.

ماده ۳۵۲ قانون جزای لبنان مقرر می‌دارد:

«هر شخصی از اشخاص مذکور در ماده ۳۵۱ برای خودش هدیه یا وعده یا منفعتی را مطالبه یا قبول کند تا عملی بر خلاف وظیفه‌اش یا آنچه ادعا می‌شود داخل در وظیفه وی است انجام دهد یا در انجام عملی که انجام آن بر وی واجب بوده اهمال کند یا انجام آن را به تأخیر بیندازد به حبس موقت توأم با اعمال شاقه و جزای نقدی تا سه برابر ارزش مال مأخوذ یا قبول شده محکوم می‌شود.»<sup>۲</sup>

عنصر مادی جرم فوق هم فعل است و هم ترک فعل. در این ماده مرتکب، هدیه یا منفعت را برای انجام اعمالی مطالبه یا قبول می‌کند که اصلاً جزء وظایف وی نیست؛ همچنین مرتکب هدیه یا منفعت را برای انجام ندادن یا به تأخیر انداختن یا اهمال در

۱- این ماده از قانون به موجب مرسوم شترعی شماره ۱۱۲ مورخ ۱۶/۹/۱۹۸۳ اصلاح شده است.

۲- این قانون هم آخرین بار در مورخ ۱۶/۹/۱۹۸۳ اصلاح شده است.

انجام وظایفی که به وی محول شده است مطالبه یا قبول می‌کند. بنابراین تفاوت اساسی این ماده با ماده ۳۵۱ در این است که در ماده ۳۵۱، مرتکب، هدیه یا منفعت را در قبال انجام دادن وظایف خود مطالبه یا قبول می‌کند اما در این ماده، مرتکب یا اصلاً فعلی که قرار است انجام دهد در حیطه وظایف وی نیست یا به دروغ ادعا می‌نماید که داخل در صلاحیت اوست؛ همچنین قسمت اخیر ماده ۳۵۲ مشعر بر ترک فعل مرتکب و اعمال و مسامحه وی در انجام وظایفی است که قانوناً در حیطه صلاحیت وی قرار دارد.

ماده ۳۵۳ این قانون در خصوص مجازات راشی است آنچه در ماده ۳۵۱ و ۳۵۲ مدنظر است اعمال مرتشی است که مستخدم دولت است اما این ماده مقرر می‌دارد: «مجازات تعیین شده در مواد ۳۵۱ و ۳۵۲ نسبت به راشی نیز اعمال می‌شود.»

اما تبصره ذیل ماده متضمن یکی از معاذیر قانونی معاف‌کننده از مجازات<sup>۱</sup> است این تبصره مقرر می‌دارد: «در صورتی که راشی، مسئولان و صاحبان امر که صلاحیت دارند را از موضوع رشوه آگاه سازد یا قبل از احاله قضیه به محکمه به آن اعتراف کند از مجازات عفو خواهد شد.»

آنچه در خصوص این تبصره اهمیت دارد آن است که قانون‌گذار لبنانی راشی را در صورت تحقق شرایط مندرج در تبصره به کلی از مجازات معاف نموده است.

اما موارد معافیت از مجازات به موجب این تبصره احصائی و مشخص است که عبارتند از: ۱- اطلاع دادن موضوع به مسئولان و صاحبان امر که صلاحیت لازم را در خصوص پیگیری موضوع دارند. ۲- اعتراف و اقرار به بزه قبل از ارجاع موضوع به دادگاه بنابراین چنانچه مرتکب موضوع را به افرادی که فاقد صلاحیت لازم در پیگیری قضیه هستند اطلاع دهد یا اینکه بعد از ارجاع موضوع به دادگاه به پرداخت رشوه اعتراف نماید از مجازات مقرر معاف نخواهد شد.

ماده ۳۵۵ از قانون مجازات لبنان مقرر می‌دارد: «هرکس بر شخصی از اشخاص ذکر شده در ماده ۳۵۱ هدیه یا منفعتی را عرضه کند یا وعده بدهد اعم از اینکه عملی خارج از وظیفه خود را انجام دهد یا انجام ندهد یا اجرای کاری را به تاخیر بیندازد؛ چنانچه پیشنهاد

۱- در معاذیر قانونی معافیت از مجازات، مرتکب مسئول است ولی قانونگذار در بعضی جرایم بنا بر ملاحظات سیاست کیفری، به منظور تشویق در کمک به کشف جرایم خاص و یا جلوگیری از ادامه عملیات مجرمانه، بجای براهت متهم، مرتکب را از کیفر معاف می‌نماید. گلدوزیان، دکتر ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ پنجم، زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۵۲.

وی (مبنی بر عرضه هدیه یا وعده منفعت) محقق نشود یا وعده وی قبول نشود حداقل سه ماه حبس یا به پرداخت جریمه نقدی دو برابر قیمت شیء معروض یا موعود محکوم خواهد شد.»

در این ماده قانون‌گذار شدت عمل کمتری از خود نشان داده است و در واقع یک نوع سیاست جنایی تقنینی را در این ماده به کار برده است و شرط تحقق این ماده آن است که وعده داده شده غیر مقدور بوده یا اصلاً محقق نشود ولو اینکه پیشنهاد دهنده عمداً حاضر به تحقق وعده خود نباشد یا اینکه پیشنهاد گیرنده از قبول آن خودداری ورزد. میزان مجازات مقرر در این ماده بسیار کمتر از موارد مندرج در موارد قبلی است و قاضی حق اعمال مجازات حبس کمتر از سه ماه را ندارد؛ حداکثر حبس مندرج در این ماده؛ نامشخص است و با عنایت به پذیرش اصل قانونی بودن مجازات در حقوق لبنان اعمال این ماده مشکلاتی را ممکن است به وجود آورد و جا دارد قانون‌گذار لبنان حداکثر حبسی را که قاضی اختیار اعمال آن را دارد مشخص نماید.

در حقوق جزایی ایران قانون‌گذار علاوه بر قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷، مواد ۵۸۸ تا ۵۹۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ مصوب مجلس شورای اسلامی را به بحث رشاء و ارتشاء اختصاص داده است برابر ماده ۵۸۸ این قانون: «هر یک از داوران و میزان و کارشناسان اعم از اینکه توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین؛ چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیمی نماید به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مودی به نفع دولت ضبط خواهد شد.»

ماده ۵۸۹ نیز مقرر می‌دارد: «در صورتی که حکام محاکم به واسطه ارتشاء حکم به مجازاتی اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشند علاوه بر مجازات ارتشاء حسب مورد به مجازات مقدار زائدی که مورد حکم واقع شده محکوم خواهند شد.» منظور از حکام محاکم در این ماده قضاتی هستند که به واسطه دریافت رشوه بر خلاف عدالت قضایی حکمی را صادر می‌نمایند.<sup>۱</sup>

با ملاحظه قوانین جزایی ایران و لبنان موارد ذیل به عنوان نکات بارز به چشم

۱- کوشا، جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱، ص ۵۲.

می‌خورد:

- ۱- قانون جزایی لبنان هم به مثابه قانون ایران بعضی از افرادی را که می‌توانند مرتکب جرم رشاء و ارتشاء شوند در نظر نگرفته است، به عنان مثال نه در حقوق ایران نه در حقوق لبنان اشاره‌ای به اعضاء هیات منصفه یا اعضای شورای حل اختلاف و سازش نشده است.
  - ۲- در حقوق ایران فقط مال به عنوان رشوه تلقی شده است در حالی که در حقوق لبنان که خود از حقوق فرانسه اقتباس و ترجمه شده است منفعت و امتیاز را نیز به‌عنوان یکی از مصادیق رشوه تلقی نموده است.
  - ۳- در حقوق لبنان و ایران هم ارتشاء و هم رشاء از زمره جرایم مطلق می‌باشند و تحقق آنها منوط به نتیجه خاصی نمی‌باشد و تحقق جرم ارتباطی با این که مستخدم آن کار را انجام داده یا نداده باشد ندارد.<sup>۱</sup>
  - ۴- در حقوق لبنان هم به مثابه حقوق ایران مجازات رشاء و ارتشاء یکسان نیست.
  - ۵- در حقوق لبنان هم به مثابه حقوق ایران در مبحث رشاء و ارتشاء مواردی به عنوان معاذیر قانونی معاف‌کننده از مجازات ذکر گردیده که نشان‌دهنده سیاست جنایی تقنینی دولت در بحث رشاء و ارتشاء است.
  - ۶- در حقوق ایران اضطرار در پرداخت رشوه بر طبق تبصره ماده ۵۹۲ از قانون مجازات اسلامی از موارد رافع مسئولیت کیفری است اما در حقوق لبنان چنین تصریحی وجود ندارد.
- در ماده ۱۵ کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل متحد نیز تحت عنوان ارتشاء مقامات دولتی داخلی مقرر شده است. هر کشور عنصر اقدامات قانونی و سایر اقدامات لازم را اتخاذ خواهند نمود تا موارد دیگر زیر زمانی که به‌صورت بین‌المللی ارتکاب یافته باشد، به عنوان جرایم کیفری به حساب آیند:<sup>۲</sup>
- الف) وعده، ارائه یا دادن امتیاز بی‌مورد که به یک مقام دولتی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم برای خود آن مقام یا هر شخص یا واحد دیگر برای اینکه آن مقام در انجام وظایف رسمی خود عملی را انجام دهد یا از انجام آن اجتناب ورزد. ب) تأثیر مهمی که

۱- میرمحمد صادقی، دکتر حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۱، ص ۳۷۰.  
 ۲- در ماده ۱۶ کنوانسیون نیز به ارتشاء مقاله‌های دولتی خارجی و مقاله‌های سازمان‌های عمومی بین‌المللی اشاره شده است.

جرم ارتشاء به عنوان یک مانع که اجرای عدالت قضایی می‌گذارد سبب شده است که هر دو نظام حقوقی لبنان و ایران مجاز است سنگینی را برای آن قائل شوند و در کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل نیز کشورها ملزم به جرم انگاری آن در مواردی که به صورت بین‌المللی ارتکاب یافته باشد شده‌اند.

### مبحث دوم: اعمال نفوذ

یکی دیگر از جرایمی که روند اجرای عدالت را در بخش‌های مختلف نهادهای دولتی و عمومی از جمله دادگستری تهدید می‌کند اعمال نفوذ و به تعبیر امروزی پارتی بازی می‌باشد.

ماده ۳۵۷ قانون جزای لبنان مقرر می‌دارد: «هر کس بدون حق؛ حق العمل یا پاداشی برای خود یا دیگری اخذ یا مطالبه کند یا وعده به پرداخت پاداش را قبول کند تا به دیگران کمک نماید یا تلاش خود را جهت کمک به دیگران به کار بندد تا شخص ثالثی به وظیفه‌اش عمل نماید یا کاری که به عهده آنها بوده انجام دهند یا آنها را تحت تاثیر خود قرار دهد به حبس از دو ماه تا دو سال و به جزای نقدی حداقل دو برابر مال مآخوذه یا قبول شده محکوم خواهد شد.

قانون‌گذار لبنانی برای مرتکب جرم فوق هیچ خصوصیتی را قائل نشده است و هر کس اعم از زن و مرد اداری و غیر اداری؛ نظامی و غیرنظامی می‌تواند مرتکب بزه فوق شود؛ مهم‌ترین مسئله در خصوص بزه فوق این است که شخص مرتکب با اخذ مال یا وجهی یا قبول وعده پرداخت؛ تعهد می‌نماید شخص دیگری را که عموماً از مقامات قضایی و اداری می‌باشد تحت تاثیر خود قرار داده تا کاری را برای شخص ثالث انجام دهد یا کمکی به وی بنماید مشابه این مسئله در حقوق جزایی ایران نیز موجود است قانونی تحت عنوان قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب سال ۱۳۱۵ در سیستم قانونی کشور وجود دارد که دقیقاً مشابه با آن چیزی که در ماده ۳۵۷ قانون جزای لبنان مقرر شده می‌باشد اما قانون حاضر هر چند صراحتاً یا ضمناً نسخ نشده است ولی کمتر مورد استفاده قضات و محاکم می‌باشد و تقریباً به صورت یک قانون متروک در آمده است. به موجب ماده ۱ این قانون «هر کس به دعوی اعتبارات و نفوذ در نزد یکی از مستخدمان دولتی یا شهرداری یا کشوری یا ماموران به خدمات عمومی وجه نقد یا فایده

دیگری برای خود یا شخص ثالثی در ازاء اعمال نفوذ نزد ماموران مزبوره از کسی تحصیل کند و یا وعده و یا تعهدی از او بگیرد علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال و به جزای نقدی از یک هزار ریال تا ده هزار ریال محکوم خواهد شد و ...

و به موجب ماده ۴ قانون مزبور، هر وکیل عدلیه به دعوی داشتن اعتبار و نفوذ در نزد ماموران قضایی یا اداری یا حکم یا مشهود و اهل خبره وجه یا مال یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالثی از موکل خود به عنوان اینکه باید به یکی از اشخاص مذکور بپردازد یا مساعدت آنها را جلب کند تحصیل نماید یا وعده آن را قبول کند علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تأدیبی از یک سال الی سه سال محکوم خواهد شد.

اجرای عدالت قضایی ایجاب می‌کند که قضات در تصمیم‌گیری‌ها و صدور رأی و اجرای احکام قطعی مستقل باشند و در جریان اقدام‌های قضایی نباید توصیه‌های خارج از اصول اشخاص و مقام‌های قضایی را مورد توجه قرار دهند و تحت تاثیر متنفذین یا افراد شاخص، مرتکب اقدام خلاف قانون شوند و آلا مورد مواخذه و پیگرد انتظامی قرار خواهند گرفت. در ماده ۳ قانون فوق‌الذکر نیز مجاز است اشخاصی که تحت تاثیر اعمال نفوذ قرار گیرند و عملاً اخلال در اجرای عدالت قضایی ایجاد کنند اشاره نموده است بدین نحو که مستخدمان دولتی یا شهرداری یا کشوری یا ماموران به خدمات عمومی که نفوذ اشخاص را در اقدامات یا تصمیمات اداری خود تأثیر دهند به محرومیت از شغل دولتی از دو الی پنج سال محکوم می‌شوند و در صورتی که اقدام یا تصمیم مزبور مستلزم تقویت حقی از اشخاص یا دولت باشد محکوم به استفسال ابد از خدمات دولتی خواهند شد مگر آنکه این عمل مشمول قوانین دیگر جزایی باشد. ماده ۱۸ کنوانسیون مقابله با فساد نیز تحت عنوان دلالی نفوذ کشورهای عضو را ملزم نموده تا موارد زیر را زمانی که به صورت بین‌المللی ارتکاب یابد، جرم تلقی نمایند:

الف) وعده، ارائه یا دادن امتیاز بی‌مورد به یک مقام دولتی یا هر شخص دیگر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم برای اینکه آن مقام دولتی یا شخص از نفوذ واقعی یا مزمنی خود با هدف کسب امتیاز بی‌مورد از اداره یا مرجع دولتی کشور عضو برای شخص برانگیزنده این عمل یا هر شخص دیگر سوء استفاده کند و ...

### مبحث سوم: تجاوز به آزادی اشخاص

فصل چهارم قانون جزایی لبنان به بحث تجاوز به آزادی اشخاص اختصاص داده شده است. این فصل مشتمل بر سه ماده ۳۶۷، ۳۶۸ و ۳۶۹ می‌باشد. ماده ۳۶۷ مقرر می‌دارد: «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر ماموران ذیصلاح برخلاف قانون کسی را توقیف یا دستور بازداشت او را صادر نمایند به اعمال شاقه موقت محکوم خواهند شد.»

مرتکب بزه ماده فوق مقامات قضایی یا دیگر ماموران دولتی ذیصلاح مثل ماموران پلیس، زندان و... می‌باشد.

بنابراین مرتکب بزه فوق یک شخص دولتی است و اشخاص عادی نمی‌توانند مرتکب بزه فوق شوند. منظور از ماموران ذیصلاح کسانی هستند که اختیار دستور توقیف و بازداشت افراد را حسب قوانین و مقررات دارا هستند و شرط دیگر تحقق جرم ماده فوق آن است که مرتکب باید یا شخصا دیگری را توقیف نموده یا به عنوان آمر قانونی دستور بازداشت وی را صادر نموده باشد.

ایراد اساسی ماده فوق آن است که میزان مجازات مرتکب مشخص نشده و این مسئله خلاف اصل قانونی بودن مجازات است.

ماده ۳۶۸ مقرر می‌دارد: «اگر مسئولان و ماموران بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها و کانون‌های اصلاح و تربیت بدون اخذ برگ بازداشت صادر از طرف مراجع قضایی و مقامات صلاحیتدار شخصی را به نام زندانی بپذیرند یا شخص زندانی را بیش از مدت حبس مقرر در حکم در زندان نگهداری کنند به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهند شد.»

مرتکب جرم ماده ۳۶۸ مسئولان و ماموران بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها و کانون اصلاح و تربیت وابسته دولت یا دارای مجوز قانونی از دولت هستند و جزء افراد احصاء شده در این ماده کس دیگری نمی‌تواند مرتکب بزه فوق شود و عنصر مادی آن عبارت است از: پذیرش زندانی بدون اخذ برگه صادره از مراجع رسمی و آزاد نمودن زندانی در پایان دوره محکومیت که هر دو مصادیقی از ترک فعل می‌باشد؛ برخلاف مجازات مقرر در ماده ۳۶۷ مجازات اعمال شده توسط قانون‌گذار در این ماده مشخص و میزان آن معلوم است ماده ۳۶۹ هم متضمن نوعی ترک فعل مسئولان و ماموران مذکور در ماده ۳۶۸ است اما علاوه بر مسئولان مندرج در ماده ۳۶۹ افراد دیگری هم مورد حکم قانون‌گذار قرار گرفته و آن

عبارت است از: «ضابطین قوه قضائیه که به موجب قوانین دیگر احصاء و مشخص شده‌اند و به‌طور کلی هر کسی که بر اساس قوانین و مقررات لبنان عنوان ضابط قضایی را دارا است می‌تواند مشمول ماده فوق گردد.»

به موجب این ماده «هرگاه ماموران و مسئولان مذکور در ماده قبل و به‌طور کلی همه مقامات و ماموران دولتی که ضابط قوه قضائیه هستند در آوردن شخص بازداشت شده یا زندانی که توسط قاضی نتایج احضار شده است تاخیر بیندازد یا بی‌اعتنایی کنند به حبس از یک ماه تا یکسال محکوم خواهند شد.

قانون‌گذار ایران در مواد ۵۷۳ و ۵۷۵ از قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵ متعرض موارد فوق شده است. ماده ۵۷۵ مقرر می‌دارد: «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر ماموران ذیصلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت ۵ سال محکوم خواهند شد.

مقصود از مقامات قضایی قضات دادگاه‌ها و دادرها می‌باشند و اصطلاحات مزبور شامل کارکنان اداری مراجع مذکور نمی‌باشند.<sup>۱</sup>

ذکر یک نکته در مورد ماده فوق ضرورت دارد و آن اینکه در صورتی که موارد مندرج در ماده ۵۷۵ مثلاً توقیف متهم مطابق قانون صورت گرفته باشد و مرجع قضایی هم متهم را به زندان‌های قانونی معرفی کرده باشد اما ماموران به جای اعزام متهم به زندان عمومی او را به جای دیگری به غیر از زندان برده و در آنجا توقیف نمایند هیچ مسئولیتی متوجه قاضی نیست اما اگر متعاقب صدور قرار بازداشت قاضی دستور دیگری را در محل‌های اختصاصی دهد مرتکب بزه فوق شده است. ماده ۵۷۳ نیز مقرر می‌دارد: «اگر مسئولان و ماموران بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها بدون اخذ برگ بازداشت صادره از طرف مراجع و مقامات صلاحیتدار شخصی را به نام زندانی بپذیرند به دو ماه تا دو سال حبس محکوم خواهند شد.»

با مقایسه قانون جزای لبنان با حقوق جزای ایران در این مورد تفاوت‌های زیر به چشم می‌خورد:

۱- ماده ۳۶۷ قانون جزای لبنان در خصوص دستور توقیف یا بازداشت هم ناظر به

۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۸۰۲۱ مورخ ۷۳/۱۲/۲۳ اداره حقوقی قوه قضائیه.



مسئولان قضایی است و هم مسئولان اداری در حالی که ماده ۵۷۵ ق جزای ایران فقط در خصوص قضات دادگاه‌ها و دادرها است و اشاره‌ای به کارکنان اداری ندارد.

۲- ماده ۳۶۷ قانون جزای لبنان صرفاً به توقیف یا دستور بازداشت اشاره دارد در حالی که در حقوق جزای ایران توقیف غیرقانونی دستور بازداشت، دستور تعقیب یا قرار مجرمیت را نیز شامل می‌شود.

۳- مجازات مقرر در خصوص این جرائم در ایران و لبنان با هم تفاوت دارد. در حقوق لبنان مجازات دستور توقیف یا بازداشت غیرقانونی اعمال شاقه موقت است اما در حقوق ایران مجازات فرد خاطی انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت ۵ سال است.

۴- ماده ۳۶۸ قانون جزای لبنان علاوه بر اینکه پذیرش زندانی بدون برگ بازداشت را جرم تلقی نموده؛ نگهداری زندانی را بیش از مدت حبس مقرر در حکم را نیز جرم شناخته؛ در حالی که ماده ۵۷۳ قانون جزای ایران صرفاً به پذیرش زندانی بدون برگ بازداشت اشاره دارد.

۵- مجازات مقرر در ماده ۳۶۸ لبنان با مجازات مقرر در ماده ۵۷۳ قانون ایران متفاوت است قانون‌گذار لبنانی برای جرم مقرر در ماده ۳۶۸ حبس از یک سال تا سه سال مقرر داشته اما شدت عمل قانون‌گذار ایرانی در این خصوص بسیار کمتر از قانون‌گذار لبنانی بوده و مجازات دو ماه تا دو سال را منظور نموده است.

۶- در حقوق ایران ماده‌ای مشابه ماده ۳۶۹ قانون جزای لبنان در قانون مجازات اسلامی نیست بلکه قانون‌گذار در آیین دادرسی کیفری و در مبحث وظایف ضابطین قضایی متعرض این مساله شده است.

#### مبحث چهارم: عدم اعلام جرم (جنایت)

نظر به اینکه کشف برخی از جرایم جز با اعلام افراد مسئول یا مرتبط امکان‌پذیر نمی‌باشد لذا قانون‌گذار برخی افراد را یا در مواقعی همه افراد را ملزم به اعلام جرم نموده است. ماده ۳۹۸ قانون جزای لبنان مقرر می‌دارد: «هر لبنانی نسبت به جنایتی که هدف آن بر هم زدن امنیت دولت و کشور باشد، آگاهی داشته و مقامات قضائی یا اداری را از

این امر مطلع نسازد به مجازات حبس از یک سال تا سه سال و محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم خواهد شد.»

عنصر مادی بزه فوق عدم اعلام است بنابراین رکن مادی بزه فوق را ترک فعل تشکیل می‌دهد به نظر می‌رسد این ماده از قانون جزای لبنان از ماده ۱-۴۳۴ قانون مجازات فرانسه اقتباس شده است چه آنکه ماده ۱-۳۴۳ قانون جزای فرانسه مقرر می‌دارد: «هر کس نسبت به جنایتی که امکان پیشگیری یا محدود کردن آثار آن وجود دارد یا نسبت به کسانی که از قابلیت ارتکاب جنایت جدیدی برخوردار بوده و امکان جلوگیری از ارتکابها نیز وجود دارد آگاهی داشته و مقامات قضایی یا اداری را از این امر مطلع نسازد به مجازات حبس تا سه سال و جریمه نقدی تا سیصد هزار فرانک محکوم خواهند شد.» ماده ۳۹۸ قانون جزای لبنان به مثابه ماده ۱-۴۳۴ قانون مجازات فرانسه آحاد ملت را ملزم به اعلام جنایت نموده یعنی باید این اصل را پذیرفت که هر شخص در جامعه ملزم به اعلام جرائم جنایی می‌باشد.<sup>۱</sup>

شرایط تحقق این جرم عبارتند از:

- ۱- عدم اعلام جرم
- ۲- جنائی بودن جرم
- ۳- جنایاتی که هدف آنها بر هم زدن امنیت کشور باشد
- ۴- آگاهی داشتن مرتکب از جنایت

بنابراین زمانی این بزه محقق می‌شود که شهروند لبنانی از بزه به هر طریقی مطلع بوده و جرم ارتكابی نیز از درجه جنایی باشد و هدف مرتکب جنایت نیز بر هم زدن امنیت کشور باشد و شخص مطلع مقامات اداری و قضایی را مطلع نسازد عنصر روانی بزه فوق نیز عمد است یعنی امتناع و خودداری باید از روی اراده باشد.

مجازات بزه فوق حبس از یک تا سه سال و علاوه بر آن محرومیت از حقوق اجتماعی است. ماده ۳۹۹ قانون مجازات لبنان که آخرین بار در تاریخ ۱۹۹۳/۵/۲۷ اصلاح شده است مقرر می‌دارد: «هر یک از مقامات و مسئولان دولتی که وظیفه کشف جرم و ملحقات آن اعم از حفظ آثار و دلایل جرم را به‌عهده دارند در انجام وظیفه محوله اهمال کند و یا در اعلام جرم و جنایتی که به آن آگاهی دارد تأخیر بیندازد به مجازات از یک ماه

۱- جرائم علیه عدالت قضایی، دکتر جعفر کوشا، چاپ اول ۱۳۸۲، نشر میزان، ص ۲۰.

تا سه سال حبس و جریمه نقدی از بیست هزار لیره تا دویست هزار لیره محکوم خواهد شد.

در این ماده قانون‌گذار عدم اعلام جرم را مدنظر قرار نداده است بلکه اهمال و تاخیر در انجام وظیفه را مورد توجه قرار داده است که عنصر معنوی این بزه با آنچه در ماده ۳۹۸ می‌باشد متفاوت است. در این ماده مرتکب قصد عدم اعلام را ندارد بلکه در انجام وظیفه خود کوتاهی می‌کند و مرتکب این جرم برخلاف ماده ۳۹۸ مقامات و مسئولان دولتی است و آن هم مقاماتی که وظیفه آنها حفظ آثار و دلایل جرم است یا مقامات و مسئولانی است که از وقوع جرم آگاهی دارند.

تبصره ذیل این ماده مقرر می‌دارد: «هریک از مقامات و ماموران دولتی که در اثناء انجام وظیفه یا به موجب آن به وقوع جنایت یا جنحه‌ای آگاهی پیدا کند و در اعلام آن به مقامات قضائی یا اداری اهمال کند یا اعلام جرم را به تاخیر بیندازند به حداکثر جریمه نقدی محکوم خواهند شد.

تنها تفاوت تبصره با آنچه در اصل ماده آمده است این است که این تبصره صرفاً جرم و جنایتی را مدنظر قرار داده است که مامور دولتی در حین انجام وظیفه با آنها برخورد می‌نماید اما در اعلام آنها بر مقامات جهت کسب تکلیف یا اقدام توسط خود مقامات اهمال یا تاخیر می‌نماید.

در ماده ۴۰۰ قانون جزای لبنان نیز به عدم اعلام جنحه یا جنایتی اشاره شده است که نیاز به شکایت شاکی خصوصی ندارد اما شخص مطلع این جنحه یا جنایت را به مقامات قضائی و اداری اطلاع نمی‌دهد، مجازات این بزه همان مجازات مقرر در ماده ۳۹۹ یعنی جزای نقدی است اصولاً تفاوت مشهود بین این ماده با مواد قبل از آن نیست.

در حقوق ایران چیزی شبیه به آنچه در حقوق جزای لبنان و فرانسه در خصوص عدم اعلام جنایت است مشهود نمی‌باشد و اصولاً قانون‌گذار ایران به این مسئله توجه خاصی نشان نداده است. (که البته با توجه به اهمیت برخی جرایم مثل قتل عمد باید مورد توجه قرار گیرد.)

هرچند که به‌طور محدود در برخی از قوانین خاص می‌توان مصادیقی را پیدا کرد که شبیه به جرم عدم اعلام جنایت در حقوق فرانسه و لبنان است به عنوان مثال خودداری از اعلام کودک آزاری توسط کلیه کارمندان موسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت

نگهداری و سرپرستی کودکان را برعهده دارند، مستند به ماده ۶ قانون موارد کودک آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام نمایند به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال محکوم خواهند شد. این تمهید قانون گذار ایران از آن جهت است که کودکان به علت ناتوانی جسمانی و عقلی قادر به اعلام شکایت و احقاق حقوق خویش نیستند اما از آنجا که اکثریت قریب به اتفاق موارد کودک آزاری توسط افراد موسساتی که مسئول نگهداری کودکان هستند ارتکاب می‌یابد، محدود نمودن این تکلیف به افرادی خاص چاره‌ساز نمی‌باشد و بهتر بود مقنن، کلیه افرادی را که با کودک زندگی می‌کنند یا در حیطه وسیع‌تر، کلیه افراد جامعه را در این مشارکت، سهیم می‌نمود.

مصدق دیگر را در رابطه با عدم اعلام جرم، خودداری از اعلام جرایم اقتصادی می‌باشد بدین نحو که تبصره ۲ ماده ۱ قانون مجازات اخلال‌گران نظام اقتصادی کشور (مصوب ۱۳۶۹) مقرر می‌دارد: در این موارد (جرایم موضوع این قانون) مدیر یا مدیران و بازرسان و به‌طور کلی مسئول یا مسئولان زیربط که به گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند، مکلفند در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند، اقدام فوری و مؤثری انجام دهند و کسانی که از انجام تکالیف مقرر در این تبصره خودداری کرده یا با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند، معاون جرم محسوب و حسب مورد به مجازات مقرر برای معاون جرم محکوم می‌شوند. از دیگر مصادیق عدم اعلام جرم ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی می‌باشد که برای ترک فعل مسئولان و کدیرهای واحدهای دولتی راجع به عدم اعلام جرم ارتشاء، اختلاس یا تصرف غیر قانونی یا کلاهبرداری و... در واحد تحت نظارت یا اداره خود به مراجع صلاحیتدار قضایی یا اداری، مجازات حبس و انفصال موقت در نظر گرفته است.

جرم مذکور از قبیل جرایم ترک فعل و مستمر و مطلق می‌باشد زیرا استمرار عدم اعلام، کافی است و از سوی دیگر ضرورتی برای وقوع نتیجه ندارد.

همچنین دفن جسد مقتول بدون اعلام به ماموران کشف، مستند به ماده ۶۳۶ قانون مجازات اسلامی به دلیل اینکه امکان دارد موجب عدم شناسایی تعقیب قاتل و کشف قتل گردد و عدالت اجرا نشود جرم ترقی شده است.

قانون‌گذار می‌بایست در جهت بهتر اجرای عدالت، ضمن اینکه عدم اعلام برخی از جرائم را جرم تلقی نماید، با توجه به اینکه در برخی از موارد به دلیل پیچیدگی موضوع در صورت عدم اطلاع وقوع جرم توسط افراد به مراجع قضایی ممکن است هیچ‌گاه جرمی خواص کشف نشود لذا ضروری است که تحصیلاتی را نیز به افراد که وقوع جرایم را اطلاع‌رسانی می‌کنند قرار دهد که اینک در ماده ۳۳ کنوانسیون مقابله با فساد تحت عنوان حمایت از گزارش‌دهنده، کشورهای عضو ملزم به انجام اقدامات مقتضی به‌منظور تأمین حمایت از کسانی که جرایم مربوطه را به مقامات صلاحیتدار گزارش می‌دهند، نموده است.

### مبحث پنجم - گرفتن اقرار و تخلیه اطلاعات با شکنجه

از دیگر موارد جرایم علیه عدالت قضایی اخذ اقرار توأم با شکنجه می‌باشد. ماده ۴۰۱ قانون جزای لبنان مقرر می‌دارد: «هریک از ماموران و مستخدمان دولتی برای اینکه شخص را مجبور به اقرار یا تخلیه اطلاعاتی کند او را مورد اذیت و آزار بدنی قرار دهد به شکلی که قانون آن را تجویز نمی‌نماید به مجازات حبس از سه ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

در صورتی که این آزار و اذیت موجب مرض جسمی یا جراحت شود حداقل به یک سال حبس محکوم خواهد شد.»

در این ماده نیز قانون‌گذار لبنان اخذ اقرار به واسطه شکنجه را ممنوع اعلام و آن را مستلزم مجازات حبس قرار داده است اما نکته‌ای که در این ماده متبادر به ذهن می‌شود آن است که این آزار و اذیت زمانی جرم است که خلاف شکلی باشد که قانون‌گذار تجویز نموده و این بدان معنا است که قانون‌گذار اذیت و آزار به منظور اخذ اقرار را در برخی از اشکال مجاز اعلام نموده است.

مرتکب این جرم لزوماً از ماموران و مستخدمان دولتی است در ضمن عامل مشدده این جرم که حداقل مجازات را به یک سال حبس افزایش می‌دهد آن است که شکنجه و اذیت و آزار موجب مرض جسمی یا جراحت بر روی مجنی علیه شود.

در حقوق ایران آنچه مسلم است اینکه در قانون اساسی کشور اخذ اقرار با شکنجه ممنوع است و اصل ۳۸ قانون اساسی نیز بدان اختصاص یافته است که مقرر می‌دارد:

«هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چینی شهادت و اقرار سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی ضمانت اجرای بخشی از اصل ۳۸ قانون اساسی است و صرفاً اخذ اقرار با اذیت و آزار بدنی از متهم را جرم دانسته و شامل اذیت و آزار غیرمتهم (شاهد و مطلع برای شهادت یا ادای سوگند) نمی‌گردد. این ماده مقرر می‌دارد: «هریک از مستخدمان و ماموران قضایی یا غیرقضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کنند او را اذیت و آزار بدنی نمایند علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشرتاً، مجازات قاتل و آمر، مجازات آمر قتل را خواهد داشت.»

### مبحث ششم: نشر اکاذیب و افتراء

آنچه مسلم است نشر اکاذیب و افتراء جزء جرائم عمومی است اما قانون‌گذار لبنانی در فصل مربوط به جرائم علیه عدالت قضایی طی مواردی به طور اخص جرم افتراء و نشر اکاذیب نسبت به ماموران قضایی و اداری را مورد حکم قرار داده است البته به اعتقاد ما صرف افتراء و نشر اکاذیب نمی‌تواند یک جرم علیه عدالت قضایی محسوب گردد مگر اینکه تمامی شرایط و ارکان مفصله در این مورد محقق گردد.

برابر ماده ۴۰۲ قانون جزای لبنان که آخرین بار در تاریخ ۱۹۹۳/۵/۲۷ اصلاح شده است: «هرکس به هر وسیله‌ای به مقامات قضایی یا اداری از وقوع جرمی که اتفاق نیفتاده خبر دهد و هرکس که از روی علم و عمدتاً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات مادی جرمی را تهیه و به نحوی متعلق به دیگری قلمداد نماید به مجازات حبس تا شش ماه و جریمه نقدی تا صد هزار لیره و یا به یکی از دو مجازات محکوم خواهد شد.»

قسمت اول این ماده را می‌توان یک جرم علیه عدالت قضایی قلمداد نمود زیرا مرتکب به مقامات قضایی یا اداری وقوع جرمی را که محقق نشده اطلاع می‌دهد و از این طریق موجبات گمراهی دستگاه قضایی را فراهم می‌آورد بنابراین رکن مادی این بزه اعلام دروغین وقوع جرم به مقامات قضایی و اداری است.

در ضمن مرتکب بایستی با سوءنیت این کار را انجام دهد و در صورتی که سوءنیت مرتکب احراز نشود جرم نیز تحقق نیافته است. در ضمن لازم نیست به واسطه عمل، مرتکب ضرری محقق گردد.

قسمت دوم ماده، ناظر بر افتراء عملی است که در واقع یک جرم عمومی است و آن این است که مرتکب وسائل و ادوات مادی جرم را تهیه و متعلق به دیگری قلمداد نماید. شرط تحقق این بزه هم علاوه بر انجام رکن مادی بزه، قصد متهم نمودن دیگری است. در صورتی که مرتکب به قصد دیگری از جمله فرار از دست ماموران و یا موارد دیگر و بدون قصد متهم نمودن دیگری این اعمال را انجام دهد مشمول مقررات ماده فوق نخواهد بود.

مجازات بزه فوق حبس و جزای نقدی است و قاضی در اعمال هر دو مجازات یا یکی از آن مخیر است.

ماده ۴۰۳ قانون جزای لبنان نیز مقرر می‌دارد: «هر کس به قصد اضرار به غیر به وسیله نامه یا شکواییه یا گزارش اکاذیبی را به مقامات قضائی یا اداری نسبت دهد و اعمالی چون جنحه و مخالفت با حکومت را برخلاف حقیقت به شخص حقیقی نسبت دهد که براءت آن شخص از ارتکاب این اعمال آشکار باشد و یا از روی علم و عمداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات مادی مبنی بر وقوع چنین جرمی را تهیه و به نحوی متعلق به وی قلمداد نماید به مجازات حبس از یک ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. چنانچه عمل مجرمانه نسبت داده شده به شخص جنایی باشد در این صورت مرتکب به حداکثر ده سال حبس با اعمال شاقه محکوم خواهد شد.

زمانی که مجازات عمل مجرمانه که برخلاف حقیقت و متعمدانه به شخص دیگری نسبت داده شده اعدام یا حبس ابد باشد در این صورت مجازات کار با اعمال شاقه از ده سال کمتر نخواهد بود و ممکن است به پانزده سال افزایش پیدا کند.»

این ماده ناظر بر اشاعه اکاذیب و افتراء می‌باشد و مجازات مرتکب با توجه به نوع جرم انتسابی به دیگری متفاوت است. تفاوت این ماده با ماده قبلی در این است که در این ماده مرتکب علاوه بر انتساب بزه به دیگری با توسل به وسایل متقلبانه سعی در صحیح جلوه دادن انتساب و متهم کردن دیگری است یعنی مرتکب هم به صورت کتبی هم به صورت شفاهی و هم به صورت عمل درصدد متهم نمودن بزه‌دیده است. هم چنین ماده ۴۰۴

مقرر می‌دارد: «چنانچه مفتری قبل از هرگونه تعقیبی از ناحیه مقامات قضایی یا اداری از افتراء خود برگردد دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد.»

این ماده در واقع یک عذر قانونی معاف‌کننده از مجازات است و در صورتی که مفتری قبل از اطلاع مقامات قضایی و اداری از افتراء خود برگردد، دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد البته حدود اختیارات قاضی در تخفیف مجازات در ماده ۲۵۱ قانون جزای لبنان مشخص گردیده است.

در قانون جمهوری اسلامی ایران مواد ۶۹۷، ۶۹۸ و ۶۹۹ به بحث افتراء و نشر اکاذیب پرداخته شده است.

برابر ماده ۶۹۷ هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد. برابر تبصره ماده فوق: در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشاء محسوب گردد هر چند بتواند صحت اسناد را اثبات نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد. ماده ۶۹۸ مقرر می‌دارد: «هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویق اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا به همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت راساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد.

ماده ۶۹۹ مقرر می‌دارد: «هرکس از روی علم و عمداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیایی که یافت شدن آنها در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی به متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام براءت قطعی آن شخص؛ مرتکب به حبس از ۶ ماه تا سه سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد.



تفاوت اساسی قانون لبنان با قانون ایران در این است که قانون‌گذار لبنان جرم نشر اکاذیب و افتراء نسبت به ماموران قضایی و اداری را جدای از نشر اکاذیب و افتراء نسبت به سایر افراد مدنظر قرار داده است اما قانون‌گذار ایرانی به صورت کلی ارتکاب بزه نشر اکاذیب و افتراء نسبت به همه افراد خواه ماموران قضایی و اداری و خواه افراد عادی را به صورت یکی مدنظر قرار داده است. همچنین در این خصوص اصولاً قانون‌گذار ایرانی جرمی تحت عنوان جرم علیه عدالت قضایی را مدنظر خود قرار نداده در حالی که قانون‌گذار لبنانی در یک قسمت، بزه نشر اکاذیب و افتراء نسبت به ماموران قضایی و اداری را به عنوان یک جرم علیه عدالت و در جای دیگر به عنوان یک جرم عمومی مدنظر قرار داده است.

### مبحث هفتم: اعلام دروغین هویت به مقامات قضایی یا اداری

ماده ۴۰۵ قانون جزای لبنان که در تاریخ ۱۹۹۳/۵/۲۷ اصلاح شده است مقرر می‌دارد: «اعلام دروغ یا غیر حقیقی به کسانی که دارای اختیارات قضایی یا اداری می‌باشند در خصوص اسم یا مشخصات یا محل اقامت یا محل سکونت، با این هدف که مقامات قضایی یا اداری تحقیقات بی‌مورد و بی‌فایده‌ای را انجام دهند، این عمل مجرمانه تلقی می‌شود و به مجازات حبس حداکثر تا شش ماه و یا جریمه نقدی تا صد هزار لیره محکوم خواهد شد.

ارزش مورد حمایت در این ماده این است که اطلاعات و اطلاعات به مسئولان قضایی و اداری باید مطابق با واقع باشد تا به دنبال کشف حقیقت، عدالت اجرا شود. کسانی که با اعمال دروغین، مسئولان قضایی یا اداری را به اشتباه بیندازند، قصد آنان اطاله دادرسی و یا معطل ماندن عدالت باشد، مجرم محسوب می‌شوند و به‌نظر می‌رسد جرم ناظر به کسانی است که با علم و اطلاع از اینکه مرتکب جرم شده‌اند و با اعلام دروغ، مقامات قضایی یا اداری را به مرحله تحقیقات واهی سوق می‌دهند. عنصر مادی، ارتکاب فعل اعلام بر خلاف حقیقت، توسط شخص مرتکب تحقق می‌یابد. عنصر معنوی این جرم نیز علم به دروغین یا برخلاف حقیقت بودن اطلاعات است.

ماده ۴۰۶ از قانون جزای لبنان مقرر می‌دارد: «هرکس در حین تحقیقات قضایی یا

محاكمات قضایی خودش را به اسم دیگری منتسب کند به مجازات حبس از سه ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

با ملاحظه قانون مجازات اسلامی چیزی شبیه به آنچه که قانون‌گذار لبنانی در خصوص اعلام دروغین هویت مورد توجه قرار داده و آن را به عنوان جرم قلمداد کرده است در حقوق جزای ایران یافت نمی‌گردد. قانون‌گذار ایرانی در قانون مجازات اسلامی و در باب تعدیات ماموران دولتی مواردی را اشاره نموده که گذشته از این که ماموران دولتی است و به هیچ وجه قابل تسری به افراد عادی جامعه ندارد که این موارد نیز تحت هیچ عنوان قابل مقایسه با آنچه که در قانون جزای لبنان آمده نمی‌باشد و این خلاء جرم انگاری در این خصوص در قانون ایران کاملاً محسوس و با توجه به اینکه ارائه هویت مجهول باعث به نتیجه نرسیدن تحقیقات و خدشه در امر شناسایی متهمان و گمراه شدن قاضی تحقیق می‌گردد لذا ضروری است که قانون‌گذاری با جرم انگاری ارائه هویت مجهول به مقامات رسمی به این خلاء پایان دهد.

### مبحث هشتم: شهادت دروغ (جرایم مربوط به ادای شهادت)

مواد ۴۰۷ و ۴۰۸ قانون جزای لبنان به جرم انگاری ترک ادای شهادت و شهادت کذب نزد مقامات قضایی، اداری و لشکری پرداخته است.

ماده ۴۰۷ قانون جزایی لبنان مقرر می‌دارد: «شاهدی که به محکمه دعوت شده چنانچه به دروغ عذر بیاورد و از ادای شهادت خودداری نماید مستحق مجازات حبس تا سه ماه می‌باشد.»

ماده ۴۰۸ قانون جزایی لبنان نیز مقرر می‌دارد: «هرکس نزد مقامات قضایی یا اداری یا لشکری (ارتشی) به موضوعی شهادت دهد در حالی که به باطل بودن آن قطع و یقین دارد و یا حق را انکار کند و یا بخشی از وقایع اتفاقیه و یا کل حقایق و واقعیات موجود که به آن علم و آگاهی داشته و از وی سوال شده را کتمان نماید یعنی عمداً از ادای شهادت خودداری نماید به مجازات حبس از سه ماه تا سه سال محکوم خواهد شد چنانچه شخصی در اثنای تحقیقات جنایی و یا درحین برگزاری محاکمات جنایی شهادت دروغ دهد، حداکثر به ده سال کار با اعمال شاقه محکوم خواهد شد زمانی که به سبب شهادت دروغ حکم به اعدام و حبس ابد صادر شود، مجازات کار با اعمال شاقه از ده سال کمتر

نخواهد بود و ممکن است به پانزده سال افزایش یابد چنانچه مرتکب فقط به دروغ گوش فرا دهد بدون اینکه سوگند دروغ یاد نماید در این صورت مجازات وی به نصف تقلیل می‌یابد.»

ماده ۴۰۹ و ۴۱۰ قانون جزایی لبنان موارد معاف شدن شاهد از مجازات شهادت دروغ را به شرح ذیل مقرر می‌دارد:

۱- هرگاه شاهد به طور ارادی قبل از اینکه تحقیقات قضایی خاتمه پیدا کند از شهادت خود عدول کند و دلایل و اظهاراتی دال بر بی‌گناهی متهم ارائه دهد، از مجازات معاف خواهد شد.

۲- هرگاه شاهدهی در محکمه قضایی اداء شهادت دروغ نموده قبل از صدور هر حکمی در اساس دعوی حتی اگر حکم غیر قطعی باشد به طور ارادی از شهادت خود عدول نماید، از مجازات معاف خواهد شد. همچنین از مجازات معاف می‌شود شاهدهی که دارای شرایط ذیل باشد:

۱- در صورتی که شاهدهی با گفتن حقیقت حتماً با خطر بزرگی که آزادی تن یا شرف یا ناموس وی (حتی اگر آن را طلاق داده باشد) لمس می‌کند مواجه شود و یا پدر و مادر و یا فرزندان و یا برادران و خواهران و دامادهای وی در معرض چنین خطر بزرگی قرار گیرند ۲- شخصی که در نظر قاضی به اسم و کنیه و صفت شناخته شده است و استماع شهادت او مثل استماع شهادت شهود واجب نباشد به عبارت دیگر وی مخبر دستگاه قضائی باشد که به نحوی قاضی به او وصل شده و یا واجب بوده است که به وی گوشزد شود تا از ادای شهادت امتناع کند چنانچه دلش بخواهد و اما زمانی که ادای شهادت دروغ متعرض شخص دیگری شود به خاطر تعقیب یا صدور حکم در این صورت مجازات شهادت دروغ از نصف به ۲/۳ تخفیف می‌یابد.

ماده ۴۱۱ قانون جزای لبنان چنین مقرر می‌دارد: «اگر کسی در اثر تهدید و اکراه مجبور به ادای شهادت دروغ شود به دلیل اینکه چنانچه او حقیقت را می‌گفت قطعاً خودش یا یکی از بستگان نزدیکش با خطر بزرگی مواجه می‌شد، در این صورت مجازات وی به نصف تقلیل می‌یابد.»

اساساً در حقوق جزای ایران دروغگویی علی‌رغم مذموم بودن از لحاظ اخلاقی جرم نیست تنها موردی که دروغگویی جرم محسوب می‌شود، زمانی است که کسی در دادگاه و

نزد مقامات رسمی در مقام ادای شهادت دروغ بگوید. ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرکس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

شرط تحقق این بزه زمانی است که شهادت متوجه کسی شود یا دادگاه بخواهد شهادت وی را اخذ نماید و به عنوان دلیل از آن استفاده کند. شرط لازم برای تحقق بزه؛ شهادت دروغ در دادگاه است بنابراین اگر شهادت در خارج از دادگاه و در نزد ماموران انتظامی یا ضابطین قضایی باشد، مشمول ماده نخواهد بود. شرط دیگر تحقق این بزه آن است که علاوه بر اینکه شهادت در دادگاه باشد باید در نزد مقامات رسمی ادا شود.

طبیعی است اگر شهادت بدون حضور حاکم دادگاه یا سایر مقامات ذیصلاح در دادگاه باشد باز هم مشمول مقررات این ماده نخواهد بود. بین حداقل و حداکثر مجازات زندان این جرم نیز تناسب عقلایی برقرار نیست در ضمن دادگاه می‌تواند یکی از دو نوع مجازات حبس یا جزای نقدی را اختیار کند با اوصاف فوق، جهت رسیدن به هدف اجرای عدالت قضایی، قانون‌گذاری می‌بایست به جرم‌انگاری شهادت دروغ در دادسرا و حتی نزد ضابطین قضایی نیز بپردازد زیرا در غیر این صورت این امر یعنی عدم جرم‌انگاری شهادت دروغ نزد مقامات قضایی دادسرا و ضابطین قضایی موجب اخلاف در امر تحقیق و کشف جرم شده و نهایتاً روند اجرای عدالت را مخدوش می‌کند.

در زمینه شهادت دروغ، ماده ۲۵ کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل متحد نیز مقرر نموده است: هر کشور عضو، قوانین و سایر اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهد نمود تا موارد زیر در صورتی که به صورت عمومی صورت گیرد، جرم کیفری تلقی گردد: استفاده از زور، تهدید یا ارباب یا وعده، ارائه یا دادن امتیاز بی‌مورد برای برانگیختن شهادت دروغ یا دخالت در شهادت دادن یا ارائه مدارک و شواهد در دادرسی مربوط به ارتکاب جرایم احراز شده بر اساس این کنوانسیون.

### مبحث نهم: در تحریف نوشته‌ها و تغییر ماهیت اسناد توسط مترجم

مصدق دیگر از جرایم علیه قضایی به تحریف نوشته‌ها و تغییر ماهیت اسناد می‌توان اشاره نمود.

ماده ۴۱۲ قانون جزایی لبنان که به موجب قانون شماره ۲۳۹ در تاریخ ۱۹۹۳/۵/۲۷ اصلاح شده است چنین مقرر می‌دارد: «هرگاه کارشناسی که مقامات قضائی آن را انتخاب نموده‌اند در گزارش خود اعم از گزارش کتبی یا شفاهی به گونه‌ای تقلب نماید به نحوی که بر خلاف حقیقت گزارش خود را تهیه نماید و یا گزارش خود را به گونه‌ای غیر صریح با وصف آگاهی از حقیقت تاویل و تفسیر نماید به مجازات حبس حداقل تا سه ماه و به جزای نقدی که کمتر از صد هزار لیره نباشد محکوم خواهد شد و علاوه بر آن به‌طور دائم از شغل کارشناسی محروم خواهد شد و چنانچه گزارش کارشناسی مربوط به امر جنایی باشد، کارشناس به کار با اعمال شاقه محکوم خواهد شد.»

ماده ۴۱۳ مقرر می‌دارد: «مجازات ماده قبل با تمامی شقوق آن نسبت به مترجمی که از روی علم و عمدتاً در هنگام ترجمه در ماهیت اسنادی که مربوط به دستگاه قضایی می‌باشد تغییر دهد بار خواهد شد و علاوه بر آن به طور دائمی از اشتغال به کار ترجمه محروم خواهد شد.»

ماده ۴۱۴ قانون جزایی لبنان موارد معاف شدن از مجازات را احصاء می‌نماید: ماده ۴۱۴ قانون جزایی لبنان مقرر می‌دارد که احکام ماده ۴۰۹ قانون جزایی قانون مبنی بر موارد معاف شدن از مجازات بر کارشناس و مترجم نیز بار خواهد شد.

برابر ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی: «هریک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و ماموران به خدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایف‌شان مرتکب جعل و تزویر شدند اعم از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی یا مهر یا تقریرات یکی از طرفین دعوی را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح و یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است، اقرار شده جلوه دهند علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از ۱ تا ۵ سال یا ۶ تا ۳۰ میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.» همانطوری که از ماده فوق مشخص است این ماده صرفاً ناظر بر کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و ماموران به خدمات عمومی است، بنابراین مترجمان رسمی به هیچ عنوان جزء موارد احصاء شده در ماده فوق نیستند. به نظر می‌رسد در صورتی که مترجمان در انجام وظیفه خود مرتکب جعل شوند عمل آنها با ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی قابل تطبیق باشد، چه آنکه ماده ۵۳۲ در خصوص کارمندان و مسئولان دولتی است و ماده ۵۳۳ مجازات

مقرر در ماده ۵۳۲ را به اشخاصی که کارمند یا مسئول دولتی نیستند تسری داده و بیان داشته چنانچه اشخاص غیر دولتی مرتکب جعل یا تزویر در احکام، تقریرات، نوشته‌ها، اسناد، سجلات، دفاتر و غیر آنها شوند به حبس از شش ماه تا سه سال و سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

### مبحث دهم: قسم دروغ

ادای سوگند دروغ نیز در دعاوی حقوقی و کیفری می‌تواند به عنوان عاملی جدی در خدشه‌دار شدن عدالت قضایی مطرح می‌باشد.

ماده ۴۱۵ قانون جزای لبنان، اصلاحی به موجب قانون شماره ۲۳۹ به تاریخ ۱۹۹۳/۵/۲۷ مقرر می‌دارد: «هرکس در دعاوی حقوقی که قسم متوجه او شده باشد سوگند دروغ یاد نماید به مجازات حبس از ۶ ماه تا سه سال و به جزای نقدی از صد هزار تا دویست هزار لیره محکوم خواهد شد.»

چنانچه شخصی که قسم یاد کرده قبل از اینکه در خصوص دعوی که موضوع قسم بوده است حکمی ولو غیر قطعی صادر گردد از قسم خود برگردد، از مجازات معاف خواهد شد در قانون جزای ایران به موجب ماده ۶۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مجازات سوگند دروغ شش ماه تا دو سال حبس می‌باشد. مهم‌ترین تفاوت قانون جزای لبنان با قانون ایران در این است که مجازات مقرر در قانون جزای لبنان فقط در خصوص قسم دروغی است که در دعوی حقوقی اداء می‌شود اما در حقوق ایران چون در امور کیفری نیز قسم متوجه افراد می‌شود لذا مجازات مقرر در ماده ۶۴۹ قانون مجازات اسلامی دعاوی حقوقی و جزایی هر دو را شامل می‌شود.

### مبحث یازدهم: دخل و تصرف در اسناد و اثبایی که به دادگاه ارائه می‌گردد

ماده ۴۲۶ قانون جزای لبنان که آخرین بار در تاریخ ۱۹۹۳/۵/۲۷ اصلاح شده است مقرر می‌دارد: «هرکس در وثیقه و اسناد و مدارکی که قبلاً به دادگاه ارائه داده است دخل و تصرف نموده و یا آن را مخفی نماید و یا از بین ببرد و یا شکل و صورت آن را تغییر دهد به مجازات نقدی از پنجاه هزار لیره تا ششصد هزار لیره محکوم خواهد شد.»

رکن مادی بزه فوق عبارت از دخل و تصرف در وثیقه و مدارکی است که به دادگاه ارائه شده اعم از اینکه دخل و تصرف به شکل تملک یا انتقال یا تغییر دادن یا تخریب و...

باشد مادامی که دادگاه از اموال و اسناد رفع توقیف یا رفع نیاز ننموده است. رکن روانی بزه نیز آن است که شخص عمداً و با سوءنیت مبادرت به دخل و تصرف یا تغییر در اموال نماید مجازات بزه فوق نیز جزای نقدی از پنجاه هزار لیره تا ششصد هزار لیره است.

بزه فوق جزء جرائم علیه عدالت محسوب می‌گردد چون شخص با دخل و تصرف و تغییر در اسناد و اموال مسیر عدالت را عوض نموده و ممکن است به حق متعلق به غیر صدمه وارد آورد یا با تغییر در اسناد و مدارک قاضی را گمراه نماید. با ملاحظه قوانین و مقررات جزائی جمهوری اسلامی ایران بزه‌ی شبیه به آنچه در ماده ۴۲۶ قانون جزای لبنان به آن اشاره شده است مشاهده نمی‌گردد اصولاً قانون جزای ما ضمانت جزائی برای افعال و اعمال کسانی که در اموال تودیع شده به دادگاه یا اسناد ارائه شده دخل و تصرف می‌نمایند پیش‌بینی ننموده است هر چند که اگر عمل فرد خاطی دارای وصف مجرمانه خاص (مثلاً جعل) باشد تحت آن عنوان قابل تعقیب است اما مستندات مشابهی وجود دارد و از جمله ماده ۶۶۳ قانون مجازات اسلامی دخالت در اموال توقیف شده را جرم و قابل تعقیب دانسته اما این مساله به مانند حقوق جزای لبنان در حقوق ایران جرم علیه عدالت محسوب نمی‌گردد بلکه جرمی است با وصف عمومی با ملاحظه قانون مدنی نیز می‌توان ضمانت اجراهای مدنی برای فعل چنین اشخاصی یافت. به‌عنوان مثال چنانچه شخصی ملک خود را در وثیقه قرار دهد، مادامی که از آن ملک رفع توقیف به عمل نیاید معاملات شخص نسبت به آن مال غیر نافذ خواهد بود.

همچنین ماده ۶۰۴ قانون مجازات اسلامی جهت حمایت از اسناد در اوراق و مدارک دولتی، ماموران دولتی را که اقدام به معدوم یا مخفی کردن اوراق سپرده شده به آنها می‌نمایند را مستحق مجازات دانسته است و ماده ۶۸۱ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر نموده است: هرکس از روی علم دفاتر، قباله‌ها و سایر اسناد دولتی را بسوزاند یا به هر نحو دیگری تلف کند به حبس از دو تا ده سال محکوم خواهد شد.

ماهیت مواد ۶۸۱ و ۶۰۴ تخریب است اما در مواردی گاه می‌توانند از جرایم علیه ادارات باشند به ویژه در مورد جرم اختلاس که اسناد اثبات‌گر آن دفاتر یا دیگر مدارک دولتی است و با اتلاف آن اثبات جرم مشکل می‌گردد.<sup>۱</sup>

مصادیق دیگری از جرایم عدالت قضایی نیز در مواد ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹ و ۴۲۲ مقرر

۱- طارمی، محمد حسین، منبع پیشین.

گردیده است که نظر به اینکه بعضاً مشابه مصادیق قبلی می‌باشد لذا جهت جلوگیری از اطاله کلام از بحث تفصیلی آنها خودداری می‌گردد و صرفاً به ذکر موضوعات آنها اکتفاء می‌گردد. ماده ۴۱۷ (ذم یا هجو دیگری ضمن شکایت کیفری) ماده ۴۱۸ (اخلال در نظم دادرسی) ماده ۴۱۹ (توصیه به مقام قضایی) ماده ۴۲۲ (دخل و تصرف در اسناد و آلات سپرده شده توسط مأموران قضایی).



## فصل سوم: مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله اجرای حکم در قانون لبنان و ایران

آخرین مرحله دادرسی، اجرای حکم است به‌طور خلاصه به محض وقوع جرم، دستگاه عدالت کیفری وارد عمل گردیده و پس از کشف جرم و تعقیب متهمان ارتکاب جرم، تحقیقات مقدماتی را انجام و با فرض احراز مجرمیت، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه جزایی ارسال و دادگاه پس از انجام رسیدگی‌های لازم، با فرض احراز گناهکاری، متهم را به تحمل مجازات، محکوم و با فرض تأیید و قطعیت حکم نوبت آخرین مرحله دادرسی یعنی اجرای حکم می‌رسد. به عبارتی تمام نهادهای کیفری و اصول و قواعد حاکم بر روند رسیدگی و تلاش‌ها و زحمات قضات و ماموران برای رسیدن به همین مرحله است. مرحله‌ای که با اجرای صحیح مجازات علیه مجرم به اصطلاح عدالت اجرا می‌شود و در صورتی که خدشه‌ای در مرحله اجرای حکم وارد شود در واقع اجرای عدالت قضایی ابر می‌ماند. در این فصل برخی از جرایمی که در مرحله اجرای احکام قضایی رخ می‌دهد و باعث اخلال در امر اجرای عدالت قضایی می‌گردد مورد بحث قرار می‌گیرد.

### مبحث اول: فراری دادن اشخاص بازداشت شده و زندانی

ماده ۴۲۵ از قانون جزایی لبنان مقرر می‌دارد: «هرکس شخصی را که به علت ارتکاب جرمی از درجه جنحه و یا مخالفت با حکومت قانوناً دستگیر شده یا زندانی شده است فراری دهد یا وسایل فرار او را فراهم و تهیه کند به حبس حداکثر تا شش ماه محکوم خواهد شد و به ارتکاب جنایت دستگیر شده و یا زندانی شده باشد مجازات کمک کننده او در فرار؛ حبس از یک تا سه سال خواهد بود و اگر مجازات آن جرم از درجه جنایی شدید باشد در این صورت مرتکب به کار با اعمال شاقه از سه سال تا هفت سال محکوم خواهد شد.»

ماده فوق از موادی است که معاونت در جرم را به‌صورت جرم مستقل در نظر گرفته و او از سه قسمت تشکیل شده است. شرایط تحقق قسم اول عبارت است از:

- ۱- فراری دادن شخص دستگیر شده یا زندانی
- ۲- متهم بودن شخص فراری داده شده به ارتکاب جرم جنحه یا مخالفت با حکومت

و اما شرایط تحقق قسم دوم:

۱- فراری دادن شخص متهم یا مساعدت در فرار او

۲- جنایی بودن اتهام

و شرط تحقق قسم سوم ماده عبارت است از:

۱- فراری دادن شخص متهم یا مساعدت در فرار او

۲- جنایی بودن متهم

۳- مجازات اتهام جنائی از درجه جنائی شدید باشد و مجازات قسم اول حبس تا

حداکثر شش ماه قسم دوم یک تا سه سال حبس و قسم سوم عبارت است از

حبس با کار با اعمال شاقه از سه تا هفت سال.

ماده ۴۲۶ از قانون جزای لبنان مقرر می‌دارد: «هرکس مامور حفظ یا مراقبت یا

ملازمت زندانی باشد و مساعدت در فرار او بنماید یا راه فرار او را تسهیل و آماده کند به

ترتیب ذیل مجازات خواهد شد:

الف: اگر زندانی یا شخص توقیف شده متهم به جرم درجه جنحه باشد به سه ماه تا

سه سال حبس محکوم خواهد شد.

ب: اگر زندانی یا شخص توقیف شده که فرار کرده متهم به جرمی از درجه جنایت باشد

به سه تا هفت سال حبس با کار به صورت شاقه محکوم خواهد شد.

ج: اگر زندانی یا شخص توقیف شده که فرار کرده متهم به جرمی از درجه جنایی

شدید شده باشد در این صورت مرتکب به ۵ تا ۱۵ سال کار با اعمال شاقه محکوم

خواهد شد.

هرگاه ماموران که موظف به حفظ ملازمت یا مراقبت شخص توقیف شده یا فرد

زندانی بوده و در انجام وظیفه مسامحه یا اهمال نماید که منجر به فرار وی شود در این

صورت در حالت اول که در بالا ذکر شد به حبس از یک ماه تا یک سال و در حالت دوم

به شش ماه تا دو سال و در حالت سوم به یک سال تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

تفاوت اساسی که میان ماده ۴۲۶ با ماده ۴۲۵ مشهود است آن است که قانون‌گذار

لبنانی برای مرتکب بزه مقرر در ماده ۴۲۵ خصوصیتی قائل نشده و با لفظ (هرکس) عنوان

نموده است اما ماده ۴۲۶ خاص مامور حفظ یا ملازمت یا مراقبت زندانی است و نه

هرکس دیگری.

ماده ۴۲۷ از قانون جزای لبنان مقرر می‌دارد: «هرگاه ماموری که موظف به حفظ یا ملازمت یا مراقبت فرد زندانی بوده برای مساعدت در فرار او به او اسلحه اعم از سرد یا گرم بدهد تا با استفاده از تهدید یا سلاح و به عنف و با شکستن درب زندان یا خراب کردن آن از زندان فرار کند در این صورت مرتکب، حداقل به پنج سال کار با اعمال شاقه محکوم خواهد شد و اگر عامل فرار از مأموران نباشد در این صورت به کار با اعمال شاقه به صورت موقت محکوم خواهد شد.»

ماده ۴۲۷ در مقابل بیان یکی از عوامل مشدده مجازات است و آن، این است که فرد مساعدت کننده در فرار که ممکن است مامور حفظ یا ملازمت یا مراقبت زندانی باشد یا کس دیگری اسلحه اعم از سرد یا گرم در اختیار زندانی قرار داده تا زندانی با استفاده از اسلحه و با عنف و تهدید از زندان فرار نماید.

ماده ۴۲۸ از قانون جزای لبنان مقرر می‌دارد: «هرگاه عامل فرار به منظور تخفیف اثرات جرم کوشش کند و به زندانی دست یابد و یا او را وادار کند که ظرف سه ماه از زمان فرار بدون اینکه مرتکب جرم جدیدی از درجه جنحه یا جنایت شده باشد خودش را به مقامات قضایی یا اداری تحویل دهد و تسلیم نماید در این صورت دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تا نصف تخفیف دهد.»

فلسفه این جرائم در حقوق لبنان این است که با فرار زندانی امکان اجرای عدالت قضایی با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. با ضعف در سیستم نگهداری این اشخاص و با نفوذ در این سیستم، عدالت نمی‌تواند با سرعت و دقت اجرا شود ولی در سیستم دسترسی به شخص، تحقیقات از او می‌تواند به تحقق عدالت قضائی کمک کند.

قانون گذار ایرانی در قانون مجازات اسلامی فصل پنجم مصوب سال ۱۳۵۷ مواد ۵۴۷ تا ۵۵۴ این قانون را به موضوع فوق اختصاص داده است.

ماده ۵۴۷ از قانون مجازات اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا ۷۴ ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد و اگر برای فرار در زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد علاوه بر تامین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

درباره ماده فوق نکات ذیل قابل توجه است:

۱- زندانیانی که برای اشتغال به خارج از زندان اعزام می‌شوند در صورتی که تحت

- مراقبت باشند و فرار کنند عمل آنان فرار از زندان محسوب می‌گردد.<sup>۱</sup>
- ۲- متهمی که با قرار مقامات قضایی بازداشت گردیده اگر از بازداشتگاه فرار نماید عمل او جرم و قابل مجازات است.
- ۳- فرار متهم از بازداشتگاه پاسگاه نیروی انتظامی مشمول ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی نیست.<sup>۲</sup>
- ۴- رسیدگی به جرائم فراری دادن و پناه دادن متهمان و محکومانی که اتهام آنها در صلاحیت مراجع اختصاصی است در صلاحیت مراجع قضائی عمومی است.
- تبصره ماده فوق مقرر می‌دارد: «زندانیانی که مطابق آیین‌نامه زندان‌ها به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی ننمایند فراری محسوب می‌شوند و به مجازات فوق محکوم می‌گردند.
- ماده ۵۴۸ مقرر می‌دارد: «هرگاه ماموری که موظف به حفظ یا ملازمت یا مراقبت یا فرد زندانی بوده در انجام وظیفه مسامحه یا اهمال نماید که منجر به فرار وی شود به شش ماه تا سه سال حبس یا جزای نقدی (از سه تا هجده میلیون ریال) محکوم خواهد شد.
- ماده ۵۴۸ از قانون ایران دقیقاً مشابه با آن چیزی است که در ذیل ماده ۴۲۶ از قانون جزای لبنان مقرر شده تفاوت این دو ماده در مجازات آنان است چه آنکه قانون‌گذار لبنانی با توجه به نوع اتهام اعم از اینکه جنحه باشد یا جنایت مجازات دوگانه در نظر گرفته اما قانون‌گذار ایرانی تفاوتی در نوع اتهام شخص فراری و به تبع آن مجازات مقرر برای آن قائل نشده است.
- ماده ۵۴۸ از قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «هرگاه ماموری که موظف است به حفظ یا ملازمت یا مراقبت متهم یا فرد زندانی بوده در انجام وظیفه مسامحه یا اهمال نماید که منجر به فرار وی شود به شش ماه تا سه سال حبس با جزای نقدی از ۳ تا ۱۸ میلیون ریال محکوم خواهد شد.»
- این ماده هم منطبق با قسمت آخر ماده ۴۲۵ از قانون جزای لبنان می‌باشد.
- اصولاً در حقوق جزا با جرائم عمدی سروکار داریم و اگر قانون‌گذار نظر به مجازات

۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۵۵۷۸ مورخ ۱۳۶۷/۸/۲۱ اداره حقوقی قوه قضائیه.

۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۵۰۹۷ مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۹ اداره حقوقی قوه قضائیه.

فاعل یک جرم غیر عمدی داشته باشد باید به آن تصریح نماید در ماده فوق قانون گذار فردی را مجازات می‌نماید که در ارتکاب فعل خود سوءنیت ندارد و صرفاً مسامحه و اهمال در انجام وظیفه خود نموده و این مسامحه و اهمال موجب فرار شخص زندانی شده و در واقع به واسطه فرار وی مانعی در سر راه اجرای عدالت ایجاد می‌گردد.

قانون گذار لبنانی مجازات چنین ماموری را یک ماه تا یکسال حبس، در صورتی که اتهام شخص فراری جنحه باشد قرار داده و اگر شخص فراری اتهام وی از درجه جنایت باشد مجازات مامور شش ماه تا سه سال و در صورتی که اتهام شخص فراری از درجه جنایی شدید باشد یکسال تا سه سال حبس قرار داده است.

اما قانون گذار ایرانی بدون توجه به نوع اتهام شخص فراری، مجازات مامور را شش ماه تا سه سال حبس یا جزای نقدی قرار داده و در نوع اتهام و به تبع آن مجازات هیچ تفاوتی قائل نشده است.

ماده ۵۴۹ از قانون جزای ایران مقرر می‌دارد: «هر کس مامور حفظ یا مراقبت یا ملازمت زندانی یا توقیف شده‌ای باشد و مساعدت در فرار وی نماید یا راه فرار او را تسهیل کند یا برای فرار تبانی و مواضعه نماید به ترتیب ذیل مجازات می‌شود:

الف) اگر توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است و زندانی به یکی از این مجازات‌ها محکوم باشد به سه تا ده سال حبس و اگر محکومیت محکوم علیه حبس از ده سال به بالا باشد و یا توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن حبس از ده سال به بالاست به یک تا پنج سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی یا اتهام توقیف شده غیر موارد فوق باشد به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

ب) اگر زندانی محکوم به قصاص یا توقیف شده متهم به قتل مستوجب قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تا تحویل وی در زندان باقی می‌ماند و چنانچه متهم غیباً محاکمه و برائت حاصل کند یا قتل شبه عمد یا خطئی تشخیص داده شود عامل فرار به مجازات تعیین شده در ذیل بند الف محکوم خواهد شد و اگر فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود چنانچه محکوم به قصاص باشد فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.

ج) اگر متهم یا محکومی که فرار کرده محکوم به امر مالی یا دیه باشد عامل فرار علاوه بر مجازات تعیین شده در ذیل بند الف ضامن پرداخت دیه و مال محکوم به نیز خواهد بود.

این ماده از قانون جزای ایران مشابه ماده ۴۲۵ از قانون جزای لبنان است. با این تفاوت که قانون‌گذار ایرانی بین فراری دهنده شخص متهم به قتل اعم از عمد یا خطئی سایر انواع جرائم تفاوت قائل شده است اما قانون‌گذار لبنانی با توجه به نوع اتهام اعم از اینکه جنحه باشد یا جنایت یا از نوع جنایت شدید مجازات عامل فراری دهنده را تعیین نموده است. شاید تفاوتی که قانون‌گذار ایرانی میان قتل و سایر جرائم قائل شده به واسطه حق الله است و حق الناس بودن باشد که مبنای قابل گذشت بودن جرائم در حقوق ما نیز می‌باشد.

در ضمن قانون‌گذار ایرانی بین عامل فراری دهنده نیز تفاوت قائل شده به نحوی که اگر عامل فرار از ماموران دولتی باشد یا کسی باشد که قانوناً مأمور حفظ یا مراقبت یا ملازمت از زندانی یا توقیف شده باشد به مجازات‌های مقرر در ماده ۵۴۹ محکوم خواهد شد اما اگر جزء افراد فوق نباشد به مجازات مقرر در ماده ۵۵۱ محکوم خواهد شد. ماده ۵۵۱ مقرر می‌دارد: اگر عامل فرار از ماموران مذکور در ماده ۵۴۹ نباشد و عمداً موجبات فرار اشخاصی که قانوناً زندانی یا دستگیر شده‌اند را فراهم آورد به طریق ذیل مجازات خواهد شد:

الف) چنانچه زندانی محکوم به اعدام یا حبس دائم یا رجم یا صلب باشد مجازات او یک تا سه سال حبس و اگر زندانی متهم به جرمی باشد که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است مجازات از شش ماه تا سه سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا مجازات توقیف شده غیر از موارد فوق‌الذکر باشد مجازات او سه ماه تا یکسال حبس خواهد بود.

ب) اگر زندانی محکوم به قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل، زندانی می‌شود و تا تحویل دادن در زندان می‌ماند. چنانچه فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.

ماده ۵۵۰ از قانون مجازات‌های اسلامی نیز در ارتباط با اهمال و مسامحه مستخدمان و ماموران دولتی است که طبق قانون مأمور دستگیری شخصی بوده در انجام وظیفه خود

مسامحه و اهمال نموده باشد اگر مسامحه و اهمال خود سوءنیتی نداشته باشد به پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند اما اگر مسامحه و اهمال آنها با سوءنیت و به قصد مساعدت در فرار باشد علاوه بر جزای نقدی فوق‌الذکر به حبس از شش ماه تا سه سال نیز محکوم می‌شوند.

ماده فوق‌الذکر مقرر می‌دارد: «هریک از مستخدمان و ماموران دولتی که طبق قانون مامور دستگیری کسی بوده و در اجرای وظیفه دستگیری مسامحه و اهمال کرده باشد به پرداخت یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و چنانچه مسامحه و اهمال به قصد مساعدت بوده که منجر به فرار وی شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود.»

ماده ۵۵۲ از قانون جزای ایران نیز در ارتباط با دادن اسلحه به شخص زندانی یا توقیف شده به مساعدت در فرار اوست. اسلحه در این ماده شامل اسلحه سرد و گرم هر دو می‌شود برابر این ماده: «هرکس به شخص زندانی یا توقیف شده برای مساعدت به فرار اسلحه بدهد به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.»

یکی دیگر از مباحثی که در حقوق جزای ایران به عنوان جرم علیه عدالت قضائی مدنظر می‌باشد و قانون‌گذار به آن پرداخته است مخفی نمودن مجرم یا از بین بردن ادله و مدارک جرم به منظور عدم کشف یا عدم دسترسی ماموران به متهم است که این مسئله در ماده ۵۵۳ و ۵۵۴ از قانون جزای ایران به آن پرداخته است.

برابر ماده ۵۵۳: هرکس شخصی را که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده و یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانوناً امر به دستگیری او شده مخفی کند و یا وسایل فرار او را فراهم کند به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:

چنانچه کسی که فرار کرده محکوم به اعدام باشد یا رجم یا صلب یا قصاص نفس و اطراف و یا قطع ید بوده، مجازات مخفی کننده یا کمک کننده او در فرار حبس از یک تا سه سال و اگر محکوم به حبس دائم یا متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا صلب است محکوم به شش ماه تا دو سال حبس خواهد بود و در سایر حالات مجازات مرتکب یک ماه تا یکسال حبس خواهد بود.

ماده ۵۵۴ مقرر می‌دارد: «هرکس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را

مخفی نماید برای تبرئه مجرم ادله جعلی ارائه کند حسب امر به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.»

**تبصره:** در موارد مذکور در ماده ۵۵۳ و این ماده در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود.

### **مبحث دوم: عدم اجرای احکام مراجع قضایی توسط ضابطین دادگستری و مسئولان سازمان‌های دولتی و...**

از جمله دیگر جرایمی که در مرحله اجرای احکام قضایی رخ می‌دهد، عدم اجرای احکام قضایی توسط مسئولان مربوطه می‌باشد و تا زمانی که احکام قضایی صادره به درستی اجرا نگردد قطعاً تحقق کامل عدالت قضایی نیز ناممکن خواهد بود. فلذا در این زمینه قانون‌گذار ایرانی در باب ۲۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری، در جهت تحقق عدالت قضایی صراحتاً مقرر می‌دارد: کلیه ضابطین دادگستری و نیروهای انتظامی و نظامی و رؤسای سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت و یا مؤسسات عمومی در حدود وظایف خود مکلفند دستورات مراجع قضایی را در مقام اجرای احکام رعایت کنند. تخلف از مقررات این ماده علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی مستوجب تعقیب کیفری برابر قانون مربوط می‌باشد که ضمانت اجرای کیفری آن در مواد ۱۶ همین قانون و ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است.

### **مبحث سوم: عدم معرفی مال یا ارائه صورت خلاف واقع از دارایی توسط محکوم علیه**

محکوم علیه موظف است مفاد حکم صادره را به موقع اجرا گذارد و اقدامی را که در حکم صادره دادگاه به آن محکوم شده است شخصاً یا توسط دیگری (محکومیت مالی) به‌جا آورد حال در صورتی که محکوم علیه علیرغم تمکن، برای فرار از اجرای حکم اموال خود را معرفی ننماید یا صورت خلاف واقع از دارایی خود را ارائه نماید به نحوی که اجرای تمام یا قسمتی از حکم متعسر گردیده باشد به حبس جنحه‌ای از شصت و یک روز تا شش ماه محکوم خواهد شد (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی) در قانون لبنان در بخش جرایم علیه عدالت قضایی مورد مشابهی ملاحظه نگردید.



## نتیجه‌گیری

هر چند در قوانین جزایی ایران به صورت پراکنده به برخی از جرایم عدالت قضایی اشاره شده است اما اهمیت و تأثیر جرایم علیه عدالت قضایی در دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند قانون‌گذار ایرانی نیز همانند قانون‌گذار لبنانی بخشی مستقل از قوانین جزایی را تحت عنوان جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله تحقیق و صدور در حکم و اجرا، به این امر اختصاص می‌دهد و ضمن این امر شایسته است که مقنن به جرم انگاری کلیه افعال و ترک افعالی که حتی کوچک‌ترین خدشه‌ای را به اجرای عدالت و تضييع حقوق مردم وارد می‌سازند (از جمله عدم اعلام جنایت، اعلام دروغین هویت، توصیه به مقام قضایی، تصرف در اسناد ارائه شده به دادگاه) بپردازد. در این راستا کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل متحد نیز در مواد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ کشورهای عضو را موظف کرده تا شرکت فعالانه افراد و گروه‌های خارج از بخش دولتی مثل سازمان‌های غیر دولتی را جهت جلوگیری و مبارزه با فساد ارتقاء دهند و از فساد بخش دولتی و خصوصی جلوگیری و با در نظر داشتن استقلال قضایی و نقش مهم آن در مبارزه با فساد، از فساد در بین اعضای قوه قضاییه ممانعت به عمل آید که با توجه به عضویت ایران به این کنوانسیون لازم است که مقدمات اجرای آن با وضع قوانین متناسب عملی گردد.

## منابع و مأخذ

- ۱- آشوری، محمد، عدالت کیفری، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۲- پروین، علی، جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی، مجله پیام آموزش، شماره ۴۰، مهر و آبان ۱۳۸۸.
- ۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۶۸.
- ۴- سادات اسدی، لیلا، بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی در حقوق ایران و اردن، مجله ندای صادق، شماره ۳۷ و ۳۸ و بهار و تابستان ۱۳۸۴.
- ۵- طارمی، محمد حسین، عدالت قضایی و جرایم پیرامونی، هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۶۳، مهر ماه ۱۳۸۸.
- ۶- کوشا جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱.
- ۷- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، بهار ۱۳۸۲.
- ۸- محقق داماد، مصطفی، جزوه نظام کیفری کشورهای اسلامی، بخش دهم، سال ۱۳۸۳، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ۹- میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۱.
- ۱۰- کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد، نشر گرایش، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۴.